

۱. مقدمه

امروزه، عصر مشارکت زنان در بسیاری از عرصه‌هایی است که پیش از این، مختص مردان بوده است. اجازه نداشتن زنان برای ورود به این عرصه‌ها در گذشته، گویای احتمال وجود تفاوت‌هایی بین آنها با مردان بوده که از این میان، شاید بتوان تفاوت‌های جنسیتی را یکی از مهم‌ترین آنها برشمرد. اهمیت نقش تفاوت‌های جنسیتی در زندگی اجتماعی افراد، آنجا آشکار می‌شود که زنان در اغلب دوره‌های تاریخی، در سلسله مراتب ساختار اجتماعی منزلت فروتری نسبت به مردان داشته‌اند (رید، ۱۳۸۰). جنسیت، به دلیل داشتن نقشی کلیدی در فرهنگ (توکلی، ۱۳۸۲)، ساختار شغلی (نوروزی، ۱۳۸۳)، ارتکاب رفتارهای پرخطر (سلیمانی-نیا، ۱۳۸۶)، استفاده از ابزارهای اطلاعاتی (جوادی یگانه، کوثری، و خیرخواه، ۱۳۹۱)، رفاه ذهنی (مدیری، و آزادارمکی، ۱۳۹۲) و... عاملی مهم در ساخت انواع فرصت‌ها و بخت‌های زندگی بوده و تأثیری نیرومند بر نقش‌هایی دارد که زنان و مردان در نهادهای اجتماعی، از خانواده گرفته تا دولت، ایفا می‌کنند (احمدی، و حیدری، ۱۳۹۳). بر این اساس، مطالعه نقش تفاوت‌های جنسیتی در مفاهیم مهمی همچون انواع هویت ضروری به نظر می‌رسد.

هویت مفهومی است که همواره مورد توجه نظریه‌پردازان و محققان حوزه‌های مختلف علوم انسانی بوده و دو معنای اصلی دارد؛ اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است. معنای دوم آن نیز تمایز است که به مرور زمان، سازگاری و تداوم را به دنبال دارد (جنکینز، ۱۳۸۱). به نظر گیدنز هویت، شکل دهنده مسیری است که آدمی باید آن را طی مدتی که «طول عمر»^۱ نامیده می‌شود، از بین قرارگاه‌های نمادین تجدد بپیماید (گیدنز، ۱۳۸۳). از نظر وایت^۲، افراد دارای هویت‌های مشخص، ساختار اجتماعی را خلق نمی‌کنند، بلکه ساختارهای اجتماعی، افراد را خلق می‌کند تا جایگاه‌ها و موقعیت‌های موجود را اشغال کنند (کلانتری، عزیزی، و زاهدانی، ۱۳۸۸). کنش متقابل‌گرایان نیز معتقدند انسان از ابتدای زندگی اجتماعی، دارای هسته‌ای بنیادین یا هویت نسبی اولیه است که در فرآیند جامعه‌پذیری و

1. Reed, E
2. Jenkins, R
3. Life Length
4. White

کنش متقابل با دیگران، هر روز، هویت‌های جدیدی را ایجاد می‌کند (ترنر، ۱۹۹۸).

با توجه به اهمیت مباحث نظری هویت و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی، باید در نظر داشت که این مفهوم در بردارنده لایه‌های گوناگونی از جمله هویت فرهنگی^۲، هویت قومی^۳، هویت ملی^۴ و هویت دینی^۵ است که از بین آنها هویت دینی، نشان‌دهنده احساس تعلق و تعهد به دین و جامعه دینی (چیتساز قمی، ۱۳۸۳) است و خود نیز دارای ابعاد چندگانه است. ضمن اینکه شجاعی‌زند (۱۳۸۴) نخستین و مهم‌ترین بُعد از این نوع هویت را دین‌داری می‌داند. سراج‌زاده (۱۳۷۵) یکی از مدل‌های شاخصی را که در پژوهش‌های مربوط به هویت دینی مورد استفاده پژوهشگران قرار می‌گیرد، مدل دین‌داری گلاک و استارک^۶ (۱۹۶۵) معرفی می‌کند و آن را با دین اسلام نیز منطبق در نظر می‌گیرد. وی به نقل از گلاک و استارک (۱۹۶۵) ابعاد مختلف آن را معرفی کرده است که عبارتند از: بُعد اعتقادی یا باورهایی که انتظار می‌رود پیروان هر دینی به آنها اعتقاد داشته باشند؛ بُعد احساسی که مربوط به عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی همچون خدا یا اقتداری متعالی است؛ بُعد پیامدی یا آثار دینی به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی که بر زندگی روزمره پیروان هر دین اشاره دارد؛ بُعد مناسکی شامل اعمال دینی مشخصی همچون نماز، شرکت در آیین‌های دینی خاص، روزه و... که انتظار می‌رود پیروان هر دین آنها را به جا آورن؛ و بُعد دانشی دین که مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌های مبنایی در مورد معتقدات هر دین است و پیروان باید آنها را بدانند.

با توجه به این نکته که در بحث فرآیند شکل‌گیری هویت‌ها، ساختار عینی و مادی جامعه، تاریخ، جغرافیا، سیاست، فناوری، اقتصاد و ساختار معرفتی (از جمله فرهنگ، زبان، آرمان‌ها، جهان‌بینی و سنت) به صورت همزمان نقش دارند (منتظر قائم، ۱۳۷۷)، به نظر می‌رسد تفاوت‌های جنسیتی نیز با ایجاد تفاوت‌هایی در نوع نگرش و جهان‌بینی افراد، بر



1. Turner, C
2. Cultural Identity
3. Ethnical Identity
4. National Identity
5. Religious Identity
6. Glock, C., & Stark, R

انواع سطوح هویتی آنها تأثیرگذار است. همان‌گونه که نتایج بسیاری از تحقیقات در زمینه هویت از جمله پژوهش‌های شوارترز و مونتگومری^۱ (۲۰۰۲)، بوکлер^۲ (۲۰۰۵)، آدلمن و روگی^۳ (۲۰۰۸) و فرانس شلی و ابرین^۴ (۲۰۱۵) نیز نشان داده است، شکل‌گیری هویت زنان و مردان متفاوت از یکدیگر است.

اهمیت نقش تفاوت‌های جنسیتی در هویت آنجا نمود پیدا می‌کند که تجارب مرحله جوانی رشد که همزمان با فرآیند هویت‌یابی (در گذر زمان) و رسیدن به تعریفی خاص و یکتا از خود است (آرچر، و وارتمن، ۱۹۹۰^۵)، می‌تواند به‌طور مستقیم بر بقیه زندگی بزرگسالی اثر بگذارد (اریکسون، ۱۹۶۸)؛ زیرا افراد در دوره جوانی، تلاش می‌کنند تا به خودمختاری و استقلال بیشتر دست یابند تا بتوانند نقش‌های بزرگسالی را بپذیرند، روابط دوستانه و صمیمانه جدیدی شکل داده و حس هویت خود را تحکیم بخشند، یا بازسازماندهی کنند (بروکس، و دوبویس، ۱۹۹۵)؛ امری که نظریه‌پردازان جنسیتی هویت نیز به آن اشاره داشته‌اند.

گیلیگان^۶، شکل‌گیری هویت در دختران و پسران را در دوره جوانی، متفاوت از هم می‌داند (سفیری، و معماریانی، ۱۳۸۹). از نظر اریکسون^۸ (۱۹۶۸) هویت‌یابی در دو جنس، یکسان نیست. آرچر^۹ (۱۹۹۳) نیز بر این اعتقاد بود که فرآیند تحول هویت زنان، به‌صورت حفظ روابط با دیگران است، ولی همین فرآیند در مردان، با دوری از تسلط و حاکمیت دیگران صورت می‌پذیرد. در این راستا، باید دید میزان دین‌داری که بخشی از مقوله هویت دینی است، در بین زنان و مردان چگونه است. نتایج بسیاری از تحقیقات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع «جنسیت و دین‌داری» از جمله مجدیان (۱۳۸۰)، آزادارمکی (۱۳۸۱)، عظیمی هاشمی (۱۳۸۳)، نجفی، احدی و دلاور (۱۳۸۵)، محمدی و مهرابی‌زاده هنرمند (۱۳۸۵)، توسلی و مرشدی (۱۳۸۵)،

1. Schwartz, S. J., & Montgomery, M. J
2. Buckler, L. M
3. Adelman, M & Ruggi, L
4. Franceschelli, M., & O'Brien, M
5. Archer, S. L., & Waterman, A. S
6. Brooks, J. H., & DuBois, D., L
7. Gilligan, C
8. Erikson, E. R
9. Archer, S. L

زاهد زاهدانی و سروش (۱۳۸۷)، حاجی زاده میمندی و صدرآبادی (۱۳۸۹)، سفیری و معماریانی (۱۳۸۹)، سفیری و نعمت‌اللهی (۱۳۹۱)، حیدری، میرفردی و رضانی باصری (۱۳۹۲)، مدیری و آزادارمکی (۱۳۹۲)، دشتی خویدکی و حسینی (۱۳۹۴)، فرنسیس^۱ (۱۹۹۷)، بتی هالام و آرگل^۲ (۱۹۹۷)، کرووال^۳ (۲۰۰۹)، موسوی و روشن^۴ (۲۰۱۰) و گونزالز^۵ (۲۰۱۱) گویای پایبندی بیشتر زنان به مذهب و دین در مقایسه با مردان بوده است. بر این اساس، بافت نیمه سنتی استان کهگیلویه و بویراحمد و وضعیت در حال گذار از سبک زندگی سنتی به زندگی شهری و مدرن، ضرورت انجام پژوهش‌های علمی در این زمینه را بیشتر می‌سازد؛ چراکه به نظر می‌رسد انجام این پژوهش در چنین جامعه‌ای برای تبیین سیمای تحولات هویتی، به ویژه در حوزه فناوری‌های ارتباطی ضرورت داشته باشد.

اهمیت مطالعه ویژگی‌های هویتی دانشجویان (جامعه آماری پژوهش) نیز آنجاست که این گروه، تحت تأثیر جامعه‌پذیری و گونه‌های فرهنگی یکسانی در بین اقوام و فرهنگ‌های مختلف اند. همچنین افزایش سهم زنان از جمعیت دانشجویی در دهه گذشته، مطالعه ویژگی‌های هویتی زنان و مردان دانشجو، شکل مقایسه‌ای را مهم‌تر کرده است؛ به گونه‌ای که انجام این تحقیق در جامعه آماری دانشگاه یاسوج می‌تواند مبنایی برای مقایسه تطبیقی تفاوت‌های جنسیتی دانشجویان زن و مرد از قومیت‌های مختلف ایران در زمینه هویت دینی و دین‌داری باشد.

این مقاله، تفاوت‌های جنسیتی در ابعاد دین‌داری دانشجویان را مورد توجه قرار داده و در پی آن بوده تا به این پرسش پاسخ دهد که آیا میزان ابعاد «اعتقادی»، «پیامدی»، «مناسکی» و «احساسی» دین‌داری در بین دانشجویان زن و مرد دانشگاه یاسوج - که بیشتر دانشجویان آن را افراد بومی تشکیل داده‌اند - با هم تفاوتی دارد؟ به بیان دیگر، هدف از این پژوهش، شناخت وضعیت تفاوت بین میزان ابعاد دین‌داری دانشجویان زن و مرد در دانشگاه یاسوج بود.

1. Francis, L
2. Beti- Hallahme, B., & Argyle, M
3. Cronwall, M
4. Mousavi, R., & Roshan, R
5. Gonzalez, A

در راستای طرح فرضیه‌های پژوهش، ابتدا نظریه‌های مربوط، در سه دسته «هویت»، «هویت دینی» و «نقش جنسیت در هویت» دسته‌بندی و مرور می‌شود. با وجود شدت یافتن فرآیندهای توسعه و نوسازی در جوامع کنونی، دین همچنان در تمام ابعاد خود منبعی مهم برای معنا بخشی به جهان است. در ایران نیز، با توجه به وضعیت در حال گذار جامعه و اینکه هویت توحیدی، بخشی از هویت اصیل ساکنان این مرز و بوم است، این مقوله جایگاه والایی در بین مردم ایران داشته است.

مذهب، عامل ایجاد هویت مشخص برای معتقدانش (اشرفی، ۱۳۷۷) و همواره دارای کارکردهای انسجام‌بخش و هویت‌ساز بوده و در آرای نظریه‌پردازانی مانند وبر، دورکیم^۱، و گیدنز ریشه دارد (میتشل^۲، ۲۰۱۱). وبر در این زمینه، به عواقب اجتماعی باورها و رسوم توتم پرستان، رقص و دیگر فعالیت‌هایی که جنبه عبادی یافته و نسبت به اشیای مقدس انجام می‌شوند، می‌پردازد (هیوز، ۱۳۶۹). گیدنز نیز برای مشخص شدن هویت فردی، افرادی را مثال می‌زند که احساس منسجمی نسبت به پیوستگی سرگذشت خویش ندارند و به بیان بهتر، فاقد هویت شخصی‌اند (گیدنز، ۱۳۸۳). دورکیم به نقش مذهب بر میزان همبستگی افراد اشاره داشته، آن را از نیروهایی می‌داند که در فرد، احساس الزام اخلاقی به هواداری از درخواست‌های جامعه، ایجاد می‌کند. به عقیده دورکیم، مذهب و دین، باعث همبستگی جامعه است و یکی از عوامل مؤثر بر دین‌داری انسان‌ها، شرکت در مناسک مذهبی است (کوزر، ۱۳۸۰). وی، انسان را دارای دو بُعد فردی و اجتماعی می‌داند که بُعد اجتماعی با جامعه‌پذیری رشد می‌کند و در زندگی از راه تعامل با دیگران و مشارکت در فعالیت‌هایی با سوگیری جمعی، تثبیت می‌شود (اشلی، ۱۹۹۵).^۴

مید^۵ در نظریه‌های مربوط به هویت، افراد و جامعه را همچون دو چیز متفاوت و در تضاد با هم نمی‌داند. او خویش‌تن را فی‌الذات همان هویت اجتماعی می‌بیند که از سویی، از روابط متقابل میان گفتگوی فرد در ذهن؛ یعنی گفت‌وگوی میان من فاعلی و من مفعولی

1. Weber, M
2. Durkheim, E
3. Mitchel, P
4. Ashly., & Orentein
5. Mead, G. H

و از سوی دیگر، از روابط اجتماعی گفت‌وگوی فرد با دیگران، نشأت می‌گیرد (جنکینز، ۱۳۸۱). به‌طور کلی می‌توان گفت هویت هر فرد، همان خودآینه‌سان اوست که در تعامل او با دیگران شکل می‌گیرد (تنهایی، ۱۳۷۳). اریکسون در سیر هشت‌گانه مراحل رشد، هویت‌یابی را پنجمین مرحله دانسته و رشد هویت برای مردان و زنان را متفاوت در نظر می‌گیرد (اریکسون، ۱۹۶۸). جنکینز، نظریه‌پرداز دیگر این حوزه بر این باور است که افراد، متفاوت‌اند، ولی خویش‌تن، به‌طور کامل، در ظرف اجتماع ساخته می‌شود؛ یعنی افراد، خودشان و دیگران را در فرآیند اجتماعی شدن و تعامل با دیگران تعریف و بازتعریف می‌کنند (جنکینز، ۱۳۸۱). گیدنز (۱۳۸۶) نیز ضمن اینکه منابع اصلی هویت هر فرد را جنسیت، تمایلات جنسی، ملیت یا قومیت و طبقه اجتماعی می‌داند، بر این باور است که فرد، مسئولیت «خود» را به عهده دارد و این افرادند که «خود» را می‌سازند، او می‌گوید چون در دنیای امروزی، امکان انتخاب و گزینش به‌وجود آمده است، زندگی روزمره به دلیل پیوند عناصر محلی و جهانی تحول می‌یابد و به این ترتیب، هویت فرد به‌طور مداوم بازتولید می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۳).

در میان جامعه‌شناسانی که با توجه به تفاوت‌های جنسیتی به موضوع هویت پرداخته‌اند، دورویکرد کلی وجود دارد؛ عده‌ای تفاوت‌های جنسیتی در زمینه هویت را مربوط به تفاوت‌های ذاتی و بیولوژیک می‌دانند. برای مثال، پارسونز قدرت باروری زنان را ویژگی‌ای می‌داند که نقشه‌ای مراقبتی در خانواده و جامعه را برای آنان در پی دارد (رفعت‌جاه، ۱۳۸۴). در مقابل، جامعه‌شناسان معاصر و به‌ویژه فمینیست‌ها^۱ بر این اصل تأکید دارند که هویت، ذاتی و ثابت نیست، بلکه در ارتباط با مجموعه‌ای پیچیده از روابط اجتماعی معنا می‌یابد (مشیرزاده، ۱۳۸۲). نظریه‌پردازان این رویکرد، به نقش ساختارها در برساخت هویت تأکید می‌کنند و هویت انسان‌ها را هویتی تحمیلی در نظر می‌گیرند. برای مثال، میشل فوکو^۲ معتقد است معانی بر انسان تحمیل می‌گردد و هویت وی، تحت تأثیر ساختارهای قدرت و یا نهاد زبان ساخته می‌شود (بار^۳، ۱۳۸۴). این رویکرد که هویت را برساخته اجتماع می‌بیند،

1. Parsons, T
2. Femenist
3. Foucault, M
4. Barr, V

باعث می‌شود که هویت، به صورت سیال در نظر گرفته شود؛ به این معنا که زنان و مردان نمی‌توانند هویت خود را به این دلیل که تحت تأثیر عوامل اجتماعی و مدام در حال تغییر است، ثابت در نظر بگیرند. به عبارت بهتر، زنانگی و مردانگی به علت تغییر دائمی نیازمند بازتعریف مستمر خواهد بود. بر این اساس، هویت یکپارچه زنانه و مردانه نیز اعتبار خود را از دست می‌دهد. به نظر می‌رسد این تفسیر از هویت، همان تفسیری باشد که رویکرد پست مدرن دارد. پست مدرن با رد هرگونه یکپارچه‌سازی هویت بر حسب زمان و مکان، تأکید می‌کند که زنان و مردان، در هر زمان و در هر موقعیت، تصویری منحصر به فرد از خود دارند که ممکن است با تصویر دیگران و یا تصویر خود در موقعیت‌های زمانی و مکانی دیگر منطبق نباشد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۳).

مرور این سه دسته نظریه نشان داد که شکل‌گیری هویت از عوامل اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. مید، کولی، اریکسون، جنکینز و گیدنز، همگی شکل‌گیری هویت را در ارتباط با اجتماع می‌دانند. مید شکل‌گیری هویت را در نتیجه گفتگوی میان منِ فاعلی و منِ مفعولی از یک سو و گفتگوی فرد با دیگران در عرصه روابط اجتماعی، از سوی دیگر می‌داند. در نظریه کولی، «خود» یک شخص، از تبادل او با دیگران رشد می‌کند. اریکسون هویت‌یابی زنان و مردان را متفاوت در نظر می‌گیرد. جنکینز معتقد است که «خویشتن»، به طور کامل در ظرف اجتماع ساخته می‌شود و گیدنز نیز بر این باور است که در ساخت هویت، افراد بیشترین نقش را داشته، جنسیت در شکل‌گیری آن مؤثر است. جامعه‌شناسان معاصر، تفکر پست مدرن، و فمینیست‌ها نیز بر این باورند که هویت، ذاتی و ثابت نیست. آنها شکل‌گیری هویت را تحت تأثیر ساختارها می‌دانند و هویت را بر ساخته اجتماع می‌بینند. در این تفسیر، زن و یا مرد بودن مدام در حال تغییر و نیازمند بازتعریف مستمر است و هویت جنسیتی در هر زمان و هر موقعیت متفاوت است. با توجه به این سه رویکرد، می‌توان هویت دینی را که یکی از گونه‌های هویتی است و همچنین دین‌داری و ابعاد اعتقادی احساسی، پیامدی و مناسبی آن را که از ابعاد هویت دینی‌اند، بین زنان و مردان، متفاوت دانست. بر این اساس، این فرضیه‌ها مطرح می‌شوند:

- تفاوت معناداری در میزان دین‌داری دانشجویان زن و مرد دانشگاه یاسوج وجود دارد.

- تفاوت معناداری در میزان بُعد اعتقادی دین‌داری دانشجویان زن و مرد دانشگاه یاسوج وجود دارد.

- تفاوت معناداری در میزان بُعد احساسی دین‌داری دانشجویان زن و مرد دانشگاه یاسوج وجود دارد.

- تفاوت معناداری در میزان بُعد پیامدی دین‌داری دانشجویان زن و مرد دانشگاه یاسوج وجود دارد.

- تفاوت معناداری در میزان بُعد مناسکی دین‌داری دانشجویان زن و مرد دانشگاه یاسوج وجود دارد.

۰۲. روش اجرای پژوهش

۱-۲. جامعه و نمونه مورد پژوهش

در این پژوهش، از روش پیمایشی و برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شد. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل دانشگاه یاسوج در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ به تعداد ۴۱۹۵ نفر بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای چندمرحله‌ای^۱ انتخاب شدند. براساس جدول لین^۲ (۱۹۷۶) و با در نظر گرفتن حجم جامعه، سطح معنی‌داری، میزان همگنی و میزان خطای معناداری، حجم نمونه پژوهش ۳۸۱ نفر برآورد شد که برای افزایش دقت، به چهارصد نفر ارتقا یافت.

۲-۲. ابزار گردآوری اطلاعات

برای سنجش متغیر دین‌داری (وابسته)، از پرسش‌نامه گلاک و استارک (۱۹۶۵)، با ضریب آلفای ۰/۹۳ که در مطالعات تجربی سراج‌زاده (۱۳۷۵) با ضریب آلفای ۰/۹۴، طالبان (۱۳۷۹) با ضریب آلفای ۰/۹۳، غیاث‌وند (۱۳۸۰) با ضریب آلفای ۰/۹۱، سراج‌زاده و مهدوی (۱۳۹۰) با ضریب آلفای ۰/۹۷، احمدی، میرفردی، و ابتکاری (۱۳۹۳) با ضریب آلفای ۰/۹۱ و دشتی خویدکی و حسینی (۱۳۹۴) با ضریب آلفای ۰/۸۴ مورد استفاده قرار گرفته است، استفاده شد.

این پرسش‌نامه از پنج بُعد اعتقادی، احساسی، پیامدی، مناسکی و دانشی تشکیل شده است که بُعد دانشی آن در این پژوهش در نظر گرفته نشد. پرسش‌نامه مورد استفاده در این تحقیق، از چهار بُعد اعتقادی (شش پرسش)، احساسی (شش پرسش)، پیامدی (شش پرسش) و مناسکی (پنج پرسش) تشکیل شده است که گویه‌های آن در سطح ترتیبی و در قالب ۲۳ گویه پنج‌گزینه‌ای (پنج درجه‌ای لیکرت) سنجیده شده است. بعد اعتقادی در قالب شش گویه در زمینه‌هایی همچون اعتقاد به خدا، قرآن، بهشت و جهنم، نبوت، عدالت و امامت سنجیده شد.

بُعد احساسی در قالب شش گویه در مورد احساس نزدیکی به خدا، احساس معنویت عمیق هنگام حضور در حرم ائمه، ترس از گناه، توبه، خواب‌های دینی و احساس پوچی و بی‌هدفی در صورت نبودن اعتقادات دینی سنجیده شد.

بُعد پیامدی، نگرش پاسخ‌گوها در مواردی همچون بی‌حجابی، دروغ گفتن غیبت کردن، مصرف مشروبات الکلی و نگرش آنها در زمینه اجرای قوانین اسلامی در جامعه امروزی، در قالب شش گویه سنجیده شد.

بُعد مناسکی نیز در قالب پنج گویه در زمینه مناسک فردی و جمعی همچون نماز خواندن، روزه گرفتن، تلاوت قرآن، شرکت در نماز جمعه و مراسم مذهبی مانند دعای کمیل و توسل سنجیده شد.

در این پژوهش، از دو نوع اعتباراً صوری و تجربی بهره‌گیری شد. برای تعیین صوری پرسش‌نامه، از نظر چند تن از اساتید جامعه‌شناسی استفاده شد و نکات اصلاحی آنها در پرسش‌نامه وارد گردید. در اعتبار تجربی نیز با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی به ارزیابی اعتبار ابزار تحقیق پرداخته شد؛ به این معنا که با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، تلاش شد تا به آزمون این مسئله پرداخته شود که آیا معرف‌های متغیر در تحلیل عاملی، قابلیت بار شدن روی عامل را دارند یا خیر. جهت تعیین اعتبار سازه‌ای پرسش‌نامه دین‌داری، از دو آزمون «کی‌ام‌او»^۱ و ضریب بازتلت^۲ استفاده شد که مشخص شد در سطح معناداری

1. Validity

2. KMO

3. Bartlett

($0/000$)، میزان «کی ام او» و بازتلت دین داری به ترتیب $0/952$ و $5636/463$ بوده است. برای تعیین پایایی ابزار پژوهش نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفا برای متغیر دین داری $0/93$ و برای ابعاد اعتقادی $0/90$ ، احساسی $0/80$ ، پیامدی $0/73$ و مناسکی $0/85$ محاسبه شد. ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر دین داری و ابعاد آنها در مرحله پیش آزمون بر اساس چهل پرسش نامه مقدماتی و در مرحله نهایی بر اساس چهارصد پرسش نامه، در جدول «شماره ۱» آمده است. پس از جمع آوری و گردآوری اطلاعات تجزیه و تحلیل آماری با نرم افزار SPSS انجام شد.

جدول شماره ۱: مقدار آلفای کرونباخ برای متغیر دین داری و ابعاد آن

ضریب آلفای ابعاد		تعداد گویه	ابعاد	ضریب آلفای کلی		تعداد گویه
پیش آزمون	نهایی			پیش آزمون	نهایی	
$0/905$	$0/915$	۶	اعتقادی	$0/939$	$0/954$	۲۳
$0/860$	$0/871$	۶	احساسی			
$0/730$	$0/710$	۶	پیامدی			
$0/855$	$0/865$	۵	مناسکی			

۳. یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان با توجه به میزان دین داری و ابعاد آن به تفکیک جنسیت

متغیر دین داری و ابعاد آن	پایین	متوسط	بالا	کل
دین داری (کلی)	زنان	$27/93\%$	$15/5\%$	100%
	مردان	$21/39\%$	$66/31\%$	100%
بُعد اعتقادی	زنان	$8/5\%$	$75/1\%$	100%
	مردان	$21/9\%$	$59/9\%$	100%
بُعد احساسی	زنان	$3/8\%$	77%	100%
	مردان	$20/3\%$	$65/8\%$	100%
بُعد پیامدی	زنان	$13/1\%$	69%	100%
	مردان	16%	$70/6\%$	100%
بُعد مناسکی	زنان	$8/9\%$	$71/8\%$	100%
	مردان	$18/2\%$	$64/7\%$	100%

با توجه به جدول «شماره ۲»، نمره دین‌داری ۶/۵۷٪ از زنان در حد پایین، ۷۷/۹۳٪ در حد متوسط، و ۱۵/۵٪ نیز در حد بالا بوده است. همچنین، ۲۱/۳۹٪ از مردان نمره دین‌داری پایین، ۶۶/۳۱٪ نمره دین‌داری متوسط، و ۱۲/۳۰٪ نیز نمره دین‌داری بالا داشتند. نمره ابعاد دین‌داری پاسخ‌گویان با توجه به جنسیت آنها نیز در همین جدول آمده است. با توجه به نتایج بیش از ۶۰٪ زنان و مردان پاسخ‌گو دارای نمره متوسطی در ابعاد اعتقادی، احساسی، مناسکی و پیامدی دین‌داری بودند. نکته قابل تأمل دیگر اینکه درصد مردان پاسخ‌گویی که نمره ابعاد دین‌داری آنان در سطح پایین ارزیابی شد، بیشتر از مردان پاسخ‌گویی بود که نمره ابعاد دین‌داری آنان در سطح بالا محاسبه گردید. در مقابل، درصد زنان پاسخ‌گو با نمره پایین در ابعاد دین‌داری، کمتر از زنان پاسخ‌گو با نمره بالا در این زمینه بود. این نتایج گویای گرایش بیشتر زنان به مذهب و دین‌داری نسبت به مردان است. نتایج همچنین نشان داد که ابعاد اعتقادی و مناسکی دین‌داری زنان و مردان پاسخ‌گو، به ترتیب، قوی‌ترین و ضعیف‌ترین ابعاد دین‌داری در بین آنان بوده است.

جدول شماره ۳: نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) بر روی میانگین نمره‌های ابعاد «اعتقادی» «احساسی»، «پیامدی» و «مناسکی» دین‌داری

نام آزمون	مقدار	Df اثر	Df خطا	F	Sig
اثر پیلاهی ۱	۰/۰۵۴	۴	۳۹۵	۵/۶۵	۰/۰۰۰
لامبدای ویکلز ۲	۰/۹۴۶	۴	۳۹۵	۵/۶۵	۰/۰۰۰
اثر هتلینگ ۳	۰/۰۵۷	۴	۳۹۵	۵/۶۵	۰/۰۰۰
بزرگ‌ترین ریشه روی ۴	۰/۰۵۷	۴	۳۹۵	۵/۶۵	۰/۰۰۰

با توجه به جدول «شماره ۳» میزان $F = ۵/۶۵$ و لامبدای ویکلز برابر با ۰/۹۴۶، با سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) می‌باشد که معنی‌داری رابطه خطی میان متغیرهای وابسته با متغیر مستقل، را نشان می‌دهد. یعنی، حداقل یکی از دو جنس (زن و مرد) در حداقل یکی از ابعاد اعتقادی، «احساسی»، «پیامدی» و «مناسکی» دین‌داری، دارای تأثیر بوده است و با اینکه میان دو جنس زن و مرد با متغیرهای وابسته «اعتقادی»، «احساسی»، «پیامدی» و «مناسکی»، تعامل رخ داده است.

جدول شماره ۴: نتایج مقایسه میانگین تفاوت زنان و مردان پاسخ‌گو در میزان دین‌داری

Sig	T	انحراف معیار	میانگین	تعداد	جنس	متغیر وابسته
.۰/۰۰۰	۳/۹۹	۱۴/۸۳	۸۸/۰۵	۲۱۳	زن	دین‌داری
		۲۰/۵۹	۸۰/۸۰	۱۸۷	مرد	

اطلاعات جدول «شماره ۴» نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰)، تفاوت معناداری در میزان دین‌داری (کلی) دانشجویان زن و مرد وجود داشته و میانگین دین‌داری زنان پاسخ‌گو بیشتر از مردان پاسخ‌گو بوده است.

جدول شماره ۵: نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه در متن آنوا بر روی میانگین نمره‌های ابعاد «اعتقادی» «احساسی»، «پیامدی» و «مناسکی» دین‌داری

Sig	F	میانگین مجزورات	مجموع مجزورات	انحراف معیار	میانگین متغیرها	گروه‌ها	متغیرها
.۰/۰۰۱	۱۱/۲۹	۳۴۴/۵۴	۳۳۴/۵۴	۴/۶۱	۲۵/۳۵	زن	اعتقادی
				۶/۴۰	۲۳/۴۹	مرد	
.۰/۰۰۰	۲۲/۰۳	۵۸۴/۷۳	۵۸۴/۷۳	۴/۰۰	۲۴/۸۴	زن	احساسی
				۶/۲۰	۲۲/۴۱	مرد	
.۰/۰۵۶	۳/۶۶	۶۲/۵۵	۶۲/۵۵	۴/۲۵	۲۰/۳۳	زن	پیامدی
				۳/۹۹	۱۹/۵۴	مرد	
.۰/۰۰۱	۱۱/۹۰	۲۵۲/۲۹	۲۵۲/۲۹	۴/۱۱	۱۸/۰۵	زن	مناسکی
				۵/۱۰	۱۶/۴۵	مرد	

درجه آزادی متغیرهای «اعتقادی»، «احساسی»، «پیامدی» و «مناسکی»: ۱
 ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده برای بُعد «اعتقادی»: $R^2 = ۰/۰۲۸$ و $R^{2,adj} = ۰/۰۲۵$
 ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده برای بُعد «احساسی»: $R^2 = ۰/۰۵۲$ و $R^{2,adj} = ۰/۰۵۰$
 ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده برای بُعد «پیامدی»: $R^2 = ۰/۰۰۹$ و $R^{2,adj} = ۰/۰۰۹$
 ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده برای بُعد «مناسکی»: $R^2 = ۰/۰۲۹$ و $R^{2,adj} = ۰/۰۲۷$

نتایج در جدول «شماره ۵» نیز نشان می‌دهد که در ابعاد اعتقادی احساسی و مناسکی، دین‌داری دانشجویان زن و مرد، به ترتیب با توجه به سطوح معنی‌داری (۰/۰۰۱، ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۰) تفاوت معناداری وجود داشته است، ولی سطح معنی‌داری ۰/۰۵۶ گویای عدم وجود تفاوت در بُعد پیامدی دین‌داری در بین دانشجویان زن و مرد بوده است. میانگین‌ها نیز نشان می‌دهند که میانگین ابعاد اعتقادی، احساسی مناسکی دین‌داری به‌گونه معناداری و میانگین بُعد پیامدی دین‌داری با تفاوت کمی در بین پاسخ‌گویان زن بیشتر از پاسخ‌گویان مرد بوده است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

با نظر به نتایج اکثر تحقیقات داخلی و خارجی مربوط به «جنسیت و دین داری» که گویای پایبندی بیشتر زنان به مذهب و دین در مقایسه با مردان بود، این سؤال پیش آمد که آیا در مناطقی با پیشینه و زمینه طولانی مذهبی که هنوز در بافت نیمه سنتی زندگی می‌کنند و ویژگی‌های تکنولوژیکی و ارتباطی عصر حاضر به صورت کامل در زندگی آنها وارد نشده است نیز وضعیت به همین شکل است؟ بر این اساس، دانشجویان دانشگاه یاسوج به عنوان جامعه آماری انتخاب شد.

مرور سه دسته نظریه‌های هویت، هویت دینی و نقش تفاوت‌های جنسیتی در هویت نشان داد، هویت مقوله‌ای ثابت و غیر قابل تغییر نیست. نظریه پردازان هویت بر این اعتقادند که هویت افراد در جریان تعاملات اجتماعی شان، شکل می‌گیرد و تغییر و تحول می‌یابد. از دیدگاه‌های مربوط به نقش تفاوت‌های جنسیتی در هویت نیز بر می‌آید که شکل‌گیری هویت زنان و مردان با یکدیگر متفاوت است. بر این اساس، این فرضیه‌ها طرح شدند که میزان دین داری (به عنوان یکی از ابعاد هویت دینی) و ابعاد اعتقادی، پیامدی، مناسکی و احساسی آن نیز در بین پاسخ‌گویان زن و مرد این پژوهش با یکدیگر تفاوت دارد. یافته‌های توصیفی و استنباطی پژوهش نشان داد که تفاوت معناداری در میزان دین داری (کلی) و همچنین ابعاد اعتقادی، مناسکی و احساسی آن در بین زنان و مردان پاسخ‌گو وجود داشته و این میزان (حتی در بُعد پیامدی نیز که معنادار نبود) در بین زنان پاسخ‌گو بیش از مردان پاسخ‌گو بوده است. نتیجه‌ای که با اکثر پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده است، همخوانی داشت.

در تحلیل این نتایج می‌توان گفت که زنان در جامعه ایرانی به طور عام و در مناطق نیمه سنتی، به طور خاص، از ویژگی‌های مذهبی بیشتری برخوردارند و بیش از مردان به مذهب و رفتارها و مناسک مذهبی گرایش دارند. جامعه مورد مطالعه نیز اگرچه دانشجویان بودند، به سبب ترکیب بومی دانشجویان دانشگاه یاسوج، ویژگی‌های عقیدتی مربوط به بافت سنتی و نیمه سنتی استان، به ویژه ویژگی‌های مذهبی زنان در استان را در نتایج این پژوهش نشان داد. این وضعیت، با توجه به نقش تربیتی زنان در جامعه و خانواده، می‌تواند نقطه

قوتی برای حفظ هویت دینی و دین‌داری باشد. یافته قابل توجه در این پژوهش، معنی‌دار نشدن تفاوت در بُعد «پیامدی» دین‌داری دانشجویان زن و مرد است. این وضعیت، به لحاظ جامعه‌شناختی نشان‌دهنده فاصله قابل توجه بین ابعاد درونی و رفتاری دین‌داری دانشجویان است به‌گونه‌ای که افراد با وجود داشتن ویژگی‌های اعتقادی، احساسی و مناسکی نسبتاً متفاوت؛ از نظر پیامدی تفاوت قابل ملاحظه‌ای ندارند. به بیان دیگر، رفتارها که جلوه‌ای از بُعد پیامدی دین‌داری است در بین جوانان دانشجوی سازگاری چندانی با ابعاد درونی و عقیدتی دین‌داری آنان ندارد.

به نظر می‌رسد به دلیل شرایط متفاوت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مالی، دینی و... تفاوت‌هایی در نوع روابط اجتماعی افراد (زنان و مردان) در جوامع آماری مختلف وجود دارد. بر اساس نظریه‌های هویتی نیز به نظر می‌رسد این تفاوت‌های تعاملاتی، تأثیرهای متفاوتی در هویت زنان و مردان (با توجه به شرایط ذکر شده) دارد. امر متناقض پیش آمده این است که از یک طرف، نظریه پردازان هویت با کنار هم قرار دادن افراد و جامعه شکل‌گیری هویت افراد را در جریان تعاملات اجتماعی در جامعه می‌دانند. از طرف دیگر جوامع مختلف، دارای شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مالی و دینی متفاوتی با یکدیگر هستند که با توجه به موقعیت و شرایط متفاوت و با تکیه بر نظریه‌های مطرح شده در زمینه «نقش تفاوت‌های جنسیتی در هویت»، میزان هویت دینی و دین‌داری زنان و مردان در جوامع مختلف، در بین یکی از دو جنس بیشتر است. ولی در عمل، در اکثر تحقیق‌های انجام شده در زمینه هویت دینی و دین‌داری - که در جوامع آماری مختلف با ویژگی‌های زمینه‌ای مختلف انجام شده‌اند - نتایج تقریباً یکسانی به دست آمده است که حاکی از پایین‌تری بیشتر زنان به مذهب می‌باشد. جواب این ابهام را باید در تفاوت‌های زیست‌شناختی، بیولوژیکی و جوهری زنان و مردان جستجو کرد. در همین زمینه، پارسونز، ویژگی‌های خاص ژنتیکی و جوهری زنان - از جمله قابلیت باروری آنان - را ملاک‌هایی برای نقش‌های اجتماعی خاص می‌داند؛ نقش‌هایی مانند فرزندزایی، مراقبتی، پرورشی و حمایتی. به دنبال این نقش‌ها، نوع تعاملات اجتماعی بسیاری از زنان که با توجه به ویژگی‌های جوهری و بیولوژیکی‌شان، نقش‌های متفاوتی نسبت به دیگران برایشان پدیدار می‌شود؛ تأثیرات متفاوتی بر روی آنها

نسبت به مردان - و زنانی که به دلایلی دارای این نقش‌های خاص نیستند - می‌گذارد. البته جنسیت، تنها عامل اصلی در موضوع میزان دین‌داری زنان نیست، بلکه نقش‌های اجتماعی که پیامدِ قابلیت‌های جوهری و بیولوژیکی آنها است، در میزان دین‌داری آنها تأثیر نهایی دارد. همانطور که در نتایج توصیفی تحقیق (جدول شماره ۲) نیز آمده است ۶۵٪ از زنان پاسخ‌گو دارای نمره دین‌داری پایینی بودند؛ نتیجه‌ای که نشان می‌دهد فقط زن بودن، به معنای میزان دین‌داری بالا نیست.

فهرست منابع

۱. احمدی، سیروس، میرفردی، اصغر، و ابتکاری، محمدحسین (۱۳۹۳). بررسی رابطه هویت دینی و سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: شهر یاسوج). نشریه جامعه‌شناسی کاربردی، ۴(۲۵)، ۱۰-۱۶.
۲. احمدی، سیروس، و حیدری، آرمان (۱۳۹۳). بررسی تفاوت‌های جنسیتی در احساس ناامنی. نشریه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۷(۱)، ۳۳-۴۴.
۳. آزادارمکی (۱۳۸۱). تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت دین‌داری جوانان با رویکرد بی‌شکلی دین‌ورزی. پژوهشنامه ادبیات و علوم انسانی، ۳۵(-)، ۱۱۳-۱۴۸.
۴. اشرفی، ابوالفضل (۱۳۷۷). بی‌هویتی اجتماعی و گرایش به غرب: بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگی غربی (رپ و هوی مثال) در تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۵. بار، ویون (۱۳۸۴). جنسیت و روانشناسی اجتماعی. مترجم: احمدی، حبیب، و شقایق، بیتا. شیراز: نشر نوید شیراز.
۶. تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۳). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: نشر مرندید.
۷. توسلی، غلام‌عباس، و مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۵). بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه صنعتی امیرکبیر). نشریه جامعه‌شناسی کاربردی، ۴(۷)، ۹۶-۱۱۸.
۸. توکلی، نیره (۱۳۸۲). فرهنگ و هویت جنسی با نگاهی به ادبیات ایران. نشریه نامه‌انسان‌شناسی، ۱۳(۱)، ۳۱-۷۰.
۹. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. مترجم: یاراحمدی، تورج. تهران: نشر شیرازه.
۱۰. جوادی‌یگانه، محمدرضا، کوثری، مسعود، و خیرخواه، طاهره (۱۳۹۱). تلفن همراه و کارکردهای آن برای کاربران ایرانی با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی. نشریه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۲۳(۱)، ۲۳-۵۴.
۱۱. چیت‌ساز قمی، محمدجواد (۱۳۸۳). گسست نسلی در ایران: افسانه یا واقعیت. تهران: پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.
۱۲. حاجی‌زاده میمنندی، مسعود، و ابراهیمی صدراآبادی، فاطمه (۱۳۸۹). رابطه جنسیت با میزان و ابعاد دینداری. نشریه زن در توسعه و سیاست، ۳(۸)، ۱۳۵-۱۵۱.
۱۳. حیدری، آرمان، میرفردی، اصغر، و رمضان‌باصری، عباس (۱۳۹۲). مقایسه جنسیتی هویت دینی و رابطه آن با مصرف رسانه‌ای (تلویزیون و ماهواره). مورد مطالعه: دانش‌آموزان متوسطه شهر مرودشت. نشریه دین و ارتباطات، ۲۰(۲)، ۴۳-۵۰.
۱۴. دشتی‌خویدکی، منصوره، و حسینی، سید حسن (۱۳۹۴). بررسی مقایسه‌ای میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی و رابطه آن با میزان دین‌داری (مطالعه زنان و مردان بالای ۲۰ سال منطقه ۶ تهران در سال ۱۳۹۲). نشریه مطالعات زن و خانواده، ۲(۲)، ۱۵۱-۱۸۳.
۱۵. رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۴). هویت و امر زنانه. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۶. رید، اولین (۱۳۸۰). آزادی زنان. مترجم: مقصودی، افشنگ. تهران: نشر گل‌آذین.
۱۷. زاهد زاهدانی، سعید، و سرش، مریم (۱۳۸۷). الگوی مصرف و هویت دختران جوان شهری: مطالعه‌ای درباره دختران شیراز. نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۱(۴)، ۷۵-۱۰۸.
۱۸. زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۳). هویت و نقش‌های جنسیتی (مجموعه مقالات). تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
۱۹. سراج‌زاده، سید حسین (۱۳۷۵). بررسی رابطه دین‌داری و بزهکاری دانش‌آموزان دبیرستان‌های تهران. تهران: اداره آموزش و پرورش تهران.
۲۰. سراج‌زاده، سیدحسین، و مهدوی، محمدصدیق (۱۳۹۰). مقایسه تجربی معیارهای دینداری از نظر روحانیون و دانشگاهیان. نشریه تحقیقات فرهنگی، ۴(۴)، ۲۵-۴۰.
۲۱. سفیری، خدیجه، و معماریانی، زهره (۱۳۸۹). بررسی هویت (دینی و ملی) دختران و پسران متوسطه، با تأکید بر پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده (مطالعه موردی مناطق دو یازده تهران). نشریه خانواده و پژوهش، ۱۱(۲)، ۷-۲۲.
۲۲. سفیری، خدیجه، و نعمت‌الهی، زهرا (۱۳۹۱). جهانی‌شدن و هویت دینی، با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی. نشریه مطالعات زنان، ۳(۱۰)، ۳۹-۶۶.
۲۳. سلیمانی‌نیا، لیلیا (۱۳۸۶). تفاوت‌های جنسیتی نوجوانان در ارتکاب انواع رفتارهای پرخطر. نشریه مطالعات جوانان، ۹(۲)، ۷۳-۸۶.
۲۴. شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری در ایران. نشریه جامعه‌شناسی ایران، ۱۱(۶)، ۳۴-۶۶.

۲۵. طالبان، محمد رضا (۱۳۷۹). بررسی تجربی دینداری نوجوانان کشور. تهران: گزارش پژوهشی، معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
۲۶. عظیمی هاشمی، مزگان (۱۳۸۳). نگرش جوانان ۱۹-۲۹ ساله شهر مشهد به دین. نشریه علوم اجتماعی، (۲)، ۱۳۳-۱۶۴.
۲۷. غیاثوند، احمد (۱۳۸۰). بررسی فرآیند جامعه‌پذیری دینی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۲۸. کلانتری، عبدالحسین، عزیزی، جلیل، و زاهد زاهدانی، سعید (۱۳۸۸). هویت دینی و جوانان (نمونه آماری: جوانان شهر شیراز). نشریه تحقیقات فرهنگی، (۲)، ۱۲۵-۱۴۱.
۲۹. کوزر، لوئیس (۱۳۸۰). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. مترجم: ثلاثی، محسن. تهران: نشر علمی.
۳۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). تجدد و تشخص. مترجم: موفقیان، ناصر. تهران: نشر نی.
۳۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی. مترجم: چاوشیان، محسن. تهران: نشر نی.
۳۲. مجدیان، محمد (۱۳۸۰). بررسی نگرش مذهبی دانشجویان ورودی به دانشگاه تربیت معلم و رابطه آن با میزان عزت نفس و منبع کنترل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
۳۳. محمدی، سید داوود، و مهرابی هنرمند، مهناز (۱۳۸۵). ارتباط نگرش مذهبی با مکان کنترل و نقش جنسیت. نشریه پژوهش‌های روانشناختی، (۹)، ۴۷-۶۴.
۳۴. مدیری، فاطمه، و آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۲). بررسی تفاوت‌های جنسیتی در رفاه ذهنی ایرانیان. نشریه علوم اجتماعی، (۲)، ۲۲۵-۲۴۲.
۳۵. مدیری، فاطمه، و آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹). جنسیت و دینداری. نشریه جامعه‌شناسی کاربردی، (۳)، ۱-۲۴.
۳۶. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۲). از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم. تهران: نشر آوازه.
۳۷. منتظر قائم، محمد مهدی (۱۳۷۷). رسانه‌های جمعی و هویت. نشریه مطالعات ملی، (۲)، ۴۵-۷۶.
۳۸. نجفی، محمود، احدی، حسن، و دلاور، علی (۱۳۸۵). بررسی رابطه کارایی خانواده و دینداری با بحران هویت. نشریه دانش و رفتار، (۱۳)، ۲-۱۷.
۳۹. نوروزی، لادن (۱۳۸۳). تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی. نشریه پژوهش زنان، (۲)، ۱۶۵-۱۷۸.
۴۰. هیوز، استوارت (۱۳۶۹). آگاهی و جامعه. مترجم: فولادوند، عزت‌الله. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

41. Adelman, M., & Ruggi, L. (2008). The beautiful and the abject: gender, identity and construction of body in contemporary Brazilian culture. *Current Sociology*, 56 (4), 555-586.
42. Archer, S. L., & Waterman, A. S. (1990). Varieties of diffusions and foreclosures: An exploration of subcategories of the identity statuses. *Journal of Adolescent Research*, 5: 96-111.
43. Archer, S. (1993). Multiple Group Identities: Differentiation, Conflict and Integration. Discussion on Ego Identity. *Hillsdale*, 73-99.
44. Ashly, D., & M. Orensein, J. (1995). *Sociological Theory, Classical Statements*. Massachusetts: Ally & Bacon.
45. Beti- Hallahme, B., & Argyle, M. (1997). *The Psychology of Religious Behavior, Belief and Experience*. New York: Routledge.
46. Brooks, J. H., & DuBois, D. L. (1995). Individual and environmental predictors of adjustment during the first year of college. *Journal of College Student Development*, 36:347-360.
47. Buckler, L. M. (2005). *Gender Differences in Identity and Intimacy Development*. Ph.D dissertation, University of Guelph.
48. Cronwall, M. (2009). Reifying sex Difference Isn't the Answer: Gendering Processes, Risk, and Religiosity. *Journal for Scientific Study of Religion*, 2(48), 252-255.
49. Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and Crisis*. New York: W.W. Norton.
50. Franceschelli, M., & O'Brien, M. (2015). Being modern and modest: South Asian young British Muslims negotiating multiple influences on their identity. *Ethnicities*, 6(15), 146-175.
51. Francis, L. (1997). The psychology of gender differences in religion: A review of empirical research. *Religion*, 27: 81-96.
52. Glock, C., & Stark, R. (1965). *Religion and society in Tension*. Chicago: Rand McNally.